

# جُخته باد همبستگی و پیوند درون و برون کشور با جنبش آزادپنجاه، سه مردمان ایران!

امیرجوهری لنگرودی

amir\_772@hotmail.com



\*- **هستی امیری، سپیده قلیان و ملیحه جعفری** در زندان اوین، با نگارش نامه‌ای سرگشاده به رخداد‌های اخیر در کشور واکنش نشان داده و نوشتند: «صبح دوشنبه، ۱۱ مهرماه ۱۴۰۱ است. در چند قدمی ساختمانی که به عنوان بخش فرهنگی زندان اوین تعیین شده است، صدها بازداشتی تحت بازجویی و شکنجه هستند. ما تعدادی از زندانیان بند زنان اوین، تحصن کرده‌ایم و صدایمان را رساتر از همیشه به مقابله با استبداد و سرکوب بلند کرده‌ایم. باهم خواندیم برای خواهرانمان، برای مردم، برادرانمان؛ که لبخند آزادی، خوشی شادی تا سحر بروید... تا پایان سرکوب در دانشگاه، آزادی بی قید و شرط دانشجویان بازداشت شده و تضمین ممنوعیت ورود نیروهای نظامی، شبه نظامی و انتظامی به دانشگاه، همراه با دانشجویان به تحصن ادامه خواهیم داد. پیام ما روشن است؛ تا روز آزادی و رهایی هر جا که باشیم، سنگر دانشگاه را حفظ خواهیم کرد.»



\*- **آنی ارنو، نویسنده نامدار فرانسوی** جایزه نوبل ادبیات خود را به زنان معترض ایرانی تقدیم کرد. این نویسنده در اولین نطق خود پس از شنیدن این خبر با زنان معترض ایرانی اعلام همبستگی کرد. شماری از رمان‌های «آنی ارنو» از جمله «آن دختر دیگر»، «جایگاه»، «شرم»، و «یک زن» در ایران ترجمه و منتشر شده‌اند. همین فراداست که کتاب‌های ترجمه شده‌ی آنی ارنو، توقیف شوند!



\*- در حوادث سه هفته‌ی گذشته، شتاب رویدادها به گونه‌ای پیشرفته است که پرده‌ی تردیدها به کناری رفته و بیش از ۲۰۰ تن از استادان دانشگاه‌های مختلف ایران به حمایت از تحصن دانشجویان خود، از موقعیت کرسی استادی خویش استعفاء دادند یا به جمع تحصن کنندگان پیوسته‌اند و اعلان داشته‌اند: «یکبار دیگر شاهد آن هستیم که شنیده نشدن صدای بخش بزرگی از جامعه در ساختار حاکمیت و تداوم رویه‌ها و تصمیم‌های نادرست، منجر به جریحه‌دار شدن وجدان جمعی، ریخته‌شدن خون افراد بیگناه و عزادار شدن ملت ایران شده است... این استادان همکاران خود را به ابراز نظر و موضع‌گیری در دفاع از ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی و آزادی‌خواهی» نیز دعوت کرده‌اند...»

**\*- گروهی از زنان ایتالیایی** با به راه انداختن کمپینی برای حمایت از زنان ایرانی، با بریدن یک تکه از موهای خود و ارسال آن به سفارت ج. ا در روم همراهی خود با زنان معترض در ایران را نشان دادند. چهره‌های عیوث مردانه‌ی سفارتیان اسلامی با دریافت پاکت‌های مو، تماشایی بود که دچار برق‌گرفتی شدند!



**\*- کمبود خون در بیمارستان‌های زاهدان و در خواست کمک از مردم.** روز پنجشنبه ۱۴ مهر ماه ۱۴۰۱، معلمان شهرستان سقز، زادگاه ژینا (مهسا) امینی در کردستان برای اهدای خون به مجروحین زاهدان اقدام کردند. این معلمان در حرکتی انسان دوستانه با حضور در سازمان انتقال خون سقز، و نوشتن پلاکاردهایی در حمایت از اعتراضات مردمی خون دادند. گفتنی است که سیستان و بلوچستان به دلیل شمار بالای مجروحین، نیاز بالایی به خون دارد. جدا از سقز، بخشی از مردم انسان‌دوست تهران نیز در اهدای خون به زاهدان مشارکت ورزیدند. اهدای خون در شرایطی که نهادهای ذیربط ناتوان از تامین خون مجروحانی که در برابر حمله‌ی وحشیانه‌ی نیروهای سرکوب راهی بیمارستان‌ها شده بودند، خود نشانه‌ی عمق همبستگی مردم ماست. نشانه‌ی این همبستگی ملی در شعارهایی که خود مردم با مضمون «از کردستان تا زاهدان، مرگ بر این قاتلان» یا «از کردستان تا تهران، گلگون تمام ایران» سر می‌دهند دیده می‌شود!

**\*- بیش از شصت تن از اندیشمندان، نویسندگان و هنرمندان عرب** با آن چه که انقلاب ملت ایران خوانده‌اند، اظهار همبستگی کردند. اینان از کشورهای نظیر سوریه، فلسطین، مصر، لبنان، عراق، تونس، مراکش، یمن و ایران هستند. نیز در میان آنان دو تن از عرب شناسان اسپانیایی و ایتالیایی نیز دیده می‌شوند. اینان نوشته‌اند: «ما به این انقلاب عظیم توده‌ها، فقط از زاویه‌ی حاکمان ددمنش ایران نمی‌نگریم، بلکه می‌بینیم این انقلاب علیه همه‌ی وحشیگری‌هایی است که از زاهدان آن، توحش در عراق - سوریه - لبنان و یمن زاده شده است. همبستگی ما با جامعه‌ی ایران برخاسته از ضمیر انسانی‌ست و فقط دفاع از کرامت به هدر رفته‌ی زن ایرانی، توسط حاکمیت ولایت فقیه نیست؛ بلکه دفاع از آزادی انسان در ایران و در کل جهان است!»



**\*- در برابر این موج همبستگی و پیوستگی‌ها، تلاش زبوانه‌ی رژیم را در اعتراف گیری دستگیر شدگان فرانسوی و پخش آن از یکی از شبکه‌های سیمای دولتی شاهد بودیم.** آنگاه که حکومت اعتبار ارتباطی‌اش را در ذهن‌های آگاه مردم از دست می‌دهد، دیگر آنچه به نمایش در می‌آورد، در هیچ باوری نمی‌گنجد و اثرگذار نیست. سیمای دولتی اسلامی به چنین سرنوشتی دچار آمده است. می‌داند که کسی باورش نمی‌کند. تنها هدفش می‌تواند ایجاد رعب و وحشت باشد، دوام چندان ندارد و در نزد مخاطب بی اثر است، حتی اگر بگوید که آب در صد درجه به جوش می‌آید، نیز باورش در هیچ مخاطبی پذیرفتنی نیست. پخش اعتراف‌های تلویزیونی در صدا و سیمای رژیم اسلامی جز بی اعتباری حاصلی ندارد، نمونه‌ی بارز آن پخش اعتراف اجباری خانم سیسیل کوهر و آقای ژاک پاری، دو عضو اتحادیه‌ی معلمان، و از اعضای (FO) فرانسه است.

در بیان همبستگی جنبش درون و برون کشور با مبارزات هم میهنان‌مان، آنگونه که در یادداشت شماره‌ی شش (۶) یاد آور شدیم: «این رژیم در مردابی از خشم مردم گرفتار آمده که هر واکنش خردی، به نابودی نزدیک‌ترش می‌کند...» شواهد رخداد امروز شنبه ۱۶ مهر برابر ۰۸ اکتبر ۲۰۲۲ در سراسر کشور به وضوح نشان داد که اگر این پیکره‌ی جنبش هر چه تنومندتر شود و در تمام عرصه‌های مبارزه از خیابان گرفته تا کارخانه‌ها بگسترده، این تنومندی قدرتمندتر و بارآورتر، همگرا تر و همبسته تر از توان سرکوب می‌کاهد و نیروهای دشمن را زمینگیر و درمانده می‌کند. این امر را امروز در جای جای کشور شاهد بودیم و دیدیم که مردم ما نوع مبارزه‌ی خود را از وضعیت تدافعی به نوعی تهاجم و تاکتیک جنگ و گریز از راهبندان گرفته تا آتش زدن لاستیک‌های ماشین و سنگ پرانی به سمت نیروهای سرکوب و به عقب راندن آنان تغییر می‌دهند! این مردم هر روز امیدهای جدیدی می‌آفرینند و چشم اندازهای نوینی را در برابر چشمان جهانیان می‌گشاید.

روز ما فرداست، فردا روشن است، ای‌دون باد!

شنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۰۸ اکتبر ۲۰۲۲